

یاد یاران

غربت پروانه‌ها

به یاد شمعی مظلوم با هفتاد و دو پروانه غریب

علیرضا فرزین

خمینی آسیبی نبیند. او شمعی بود که تعلقی به این جهان خاکی نداشت، از عالم بالا بود و بالا رفت و هفتاد و دو عاشق دل‌سوخته را نیز با خود برد.

شمع‌ها همه و همیشه مظلومند، غریبند، گریانند و در فراق یار و هجران روی او، در ماتم. نهادآنان را با مظلومیت چنین سرشته‌اند. پروانه‌ها نیز همه و همیشه عاشقند، عمرشان کوتاه، در تکاپو و جنبشی همیشگی و شیفته شمع و روشنایی. مظلومیت و عشق نیز دو یار دیرینه‌اند، جدایی‌ناپذیر.

و به راستی، زیباترین حالات برای شمع مظلوم و پروانه عاشق کدام است؟ آیا از آن جز سوختن و افروختن و از این جز دل به آتش‌زدن و مرگ را پذیرفتن انتظاری هست؟ آیا می‌توان تصور کرد که بهشتیان خاکی ما را جز شهادت پایانی باشد؟ و چه زیبا گفت سید مظلوم ما که: «سرنوشت مقلدان خمینی



در محفل عاشقان فرزانه و مست می‌گشت سبوی کربلا دست به دست ناگاه ز خیل ناکثان دستی پست سنگی زد و هفتاد و دو پیمانه شکست هفتم تیر داغ نشکفته تاریخ است؛ داغی که از خاموشی شمعی شب‌افروز با هفتاد و دو پروانه بال و پرسوخته حکایت دارد. شمع زمینی شبستان ما از فروغش، جهان «بهشتی» می‌گردید آسمانی و از تکاپوی پروانگانش، انقلاب ما جانی تازه می‌گرفت. سید مظلوم ما، بهشتی سوخت و ذوب شد تا انقلاب ما پایدار بماند و نهضت خون‌رنگ

حتماً والدین بخوانند



آسیب شناسی

بازی های

رایانه ای

میزان نوری که به چشم می خورد غیر عادی است و بعدها فرد را دچار عوارض بینایی شدید می کند.

کودک دائماً به یک نقطه نگاه می کند و این باعث خستگی و افسردگی می شود.

کودک تا ساعت ها در یک وضعیت ثابت می نشیند که یکی از عوارض این طرز نشستن آرتروز است.

کودک دائماً در هیجان کاذب است که این هیجان، سلامت روانی او را به خطر می اندازد.

تصاویر گریزان و پرشتاب همراه با ضرب آهنگ کند و تند موسیقی، باعث وارد آمدن فشارهای عصبی ممتد به کودک می شود.

باعث ایجاد حالت تهوع و سرگیجه؛ به خصوص در کودکان و نوجوانانی می شود که زمینه صرع دارند.

بچه هایی که به طور مستمر به این گونه بازی ها می پردازند، درون گرا، منزوی و در برقراری روابط اجتماعی با دیگران، ناتوان می شوند.

چیزی جز شهادت نیست.»

و خود چه زیبا نوشید جام گوارای شهادت را.

او آن روز، در جمع یاران خود بوی بهشت را احساس کرده بود و پیش از عروج، بدان ها مرگ دادن بود که: «بچه ها، بوی بهشت می آید!»

و این تفاوت عمده او با دیگران است و مگر از آن که با انوار فروزان خود، سینه سیاه شب را می شکافد و راه روشن را می نماید، جز این می توان انتظار داشت؟

او دل در زمین خاکی نداشت و پیوسته در قنوت هایش، آرزوی وصال محبوب می کرد، او را با «تشنگان قدرت» کاری نبود، با در «شیفتگان خدمت» اش می یافتند و در پایان خوشش، چه نیکو پاسخ گفت ندای محبوب خویش را که: «یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه».

و امروز چه جای او در جمع یاران خمینی خالی است؛ جای او هفتاد و دو یار وفادارش!

بر ماست که به یاد فروزندگیش، شمع باشیم فروزنده به راه یاران انقلاب و پروانه باشیم برگرد گل های بوستان خمینی.

بر ماست تا با اطاعت از هم رزم و یار دیرینش، تداوم بخش راه او باشیم و یاد آنان را زنده بداریم تا در تاریکی دوران، به فراموشی سپرده نشوند. راهش پر رهرو و یادش در خاطر دل ها، مستدام باد.